

استراتژی آمریکا، فرانسه و جمهوری اسلامی در مذاکرات اتمی ژنو

جلال ایجادی



در اردوگاه غرب، تفاهم آسان نیست؛ در حالیکه طرف مذاکره کننده آمریکائی و انگلیسی با خوشبینی به مذاکرات نگاه کرده، وزیر امورخارجه فرانسه، لوران فابیوس، در مرحله نهائی مذاکرات از عدم تضمین لازم از جانب ایران و نارضایتی فرانسه سخن میگوید. انگیزه هریک از مذاکره کنندگان چگونه قابل فهم است؟

پس از سالیان متمادی جمهوری اسلامی مشتاقانه پای میز مذاکره می نشیند تا با غرب به توافق برسد. چرا این اشتیاق؟ کافی است به وضع نابسامان اقتصادی و مالی ایران، افت فروش نفت به ۸۰۰ هزار بشکه در روز، کاهش منابع مالی بودجه کشوری و مسدود شدن مبالغ کالائی و بانکی بین المللی ایران توجه بکنیم تا درماندگی حکومت اسلامی آشکار شود.

هزینه های سنگین فعالیتهای اتمی در سراسر کشور، بودجه نظامی وسیع در داخل و پول و مهمات نظامی برای سوریه و حزب الله لبنان، دستمزدهای کلان در دستگاه اداری، فساد در تمام اجزای حکومتی و هدر رفتن پولها، هزینه های هنگفت برای رسانه ها و تبلیغات مخرب و خرافی مذهبی و غیره، نیازمند درآمد بالا میباشد که در حال حاضر براحتی میسر نیست. جمهوری اسلامی اهداف سیاسی و نظامی خود را در ساختن بمب اتم کنار نخواهد گذاشت، ولی در شرایط کنونی مجبور است امتیازات مرحله ای و تاکتیکی بدهد و وانمود نماید که هدفش کسب سلاح اتمی نیست، تا با توافق غرب فشار سنگین مجازات های جهانی را کاهش دهد. حکومت میخواهد نشان دهد که سیاست دروغ و کلک و وقت کشی دیروز پایان رسیده و امروز دولت آقای روحانی با پشتیبانی آیت الله خامنه ای، خواهان کاهش بحران و توافق در مذاکرات ژنو است.

در مذاکرات ژنو در اوایل نوامبر ۲۰۱۳ بر اساس گزارش ها، محور مذاکرات بر محدود سازی دامنه، سرعت و ذخایر مواد هسته ای و

همچنین افزایش شفافیت برنامه های هسته ای ایران متمرکز بوده که ترجمان آن به این شرح است:

- ۱- توقف غنی سازی ۲۰ درصد در فردو و نطنز
- ۲- کاهش تعداد سانتریفیوژ های فعال در نطنز و فردو
- ۳- توقف نصب ماشین های جدید در نطنز
- ۴- عدم راه اندازی ماشین های نسل دوم در نطنز
- ۵- تعطیلی تاسیسات اراک یا تغییر کاربری آن
- ۶- پذیرش سقف انباشت مواد غنی شده ۲۰ درصد و تبدیل ذخایر به سوخت یا رقیق کردن آن تا میزان ۵ درصد
- ۷- تعطیلی مرکز غنی سازی فردو.

در قبال این امتیازها، غرب با افزودن دو امتیاز دیگر نسبت به مذاکرات آلمانی، آمادگی خود را برای اعطای این امتیازات اعلام کرد:

- ۱- لغو تحریم طلا و سنگ های قیمتی
- ۲- لغو تحریم محصولات پتروشیمی
- ۳- لغو تحریم خودرو سازی
- ۴- آزاد سازی بخشی از دارایی های ایران به ویژه در کشورهای چین، هند و کره جنوبی.

غرب آگاه است که مجازاتهای بازرگانی و نفتی و نظامی و تکنولوژیکی نتیجه دار بوده و بطرز واقعی نظام ایران را در تنگنا قرار داد. برای آمریکا و اروپا لحظه کنونی بسیار مناسب است تا بخشی از شرایط خود را به ایران بقبولاند و پیشروی ایران بسوی سلاح اتمی را متوقف کند. غرب در ابتدا خواستار جلوگیری ایران در تسلط به تکنولوژی غنی سازی بود، ولی امروز میداند که ایران با بکار انداختن ۱۹۰۰۰ سانتریفوژ، توانائی در غنی سازی اورانیوم تا بیش از ۲۰% و برپائی دهها مرکز علمی و صنعتی اتمی با تعداد زیاد مهندسين و تکنیسینهاى اتمی، این خواست ناممکن است و بنابراین میکوشد تا مانع کسب سلاح هسته ای گردد. مسائل مرکزی غرب، وجود ۱۸۶

کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی، نیروگاه آب سنگین اراک و امکان سخت بمب پلوتونیوم در آن، بازدید و کنترل مرکز نظامی پارچین و بالاخره اقدام و بازرسی تمام فعالیتهای اتمی توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی میباشد. غرب در ابتدا خواستار خروج ذخیره اورانیوم با غنای ۲۰ درصد بود، ولی با مقاومت ایران در مورد خارج کردن اورانیوم ۲۰ درصدی روبرو میشود و بظاهر ایران میپذیرد که تولید این اورانیوم برای یکدوره قطع گردد و یا درجه غلظت آن به غلظت پائین تر تبدیل شود وبعلاوه بازدید سایر مراکز اتمی برای آژانس بین المللی میسر باشد.

در اردوگاه غرب، تفاهم آسان نیست؛ در حالیکه طرف مذاکره کننده آمریکائی و انگلیسی با خوشبینی به مذاکرات نگاه کرده، وزیر امور خارجه فرانسه، لوران فابیوس، در مرحله نهائی مذاکرات از عدم تضمین لازم از جانب ایران و نارضایتی فرانسه سخن میگوید. انگیزه هریک از مذاکره کنندگان چگونه قابل فهم است؟

آمریکا بطور قطع خواهان مقابله با طرح اتمی ایران است و در این مورد بین جمهوریخواهان و دمکراتها همسوئی بسیار موجود است. دولت اوباما خواهان مداخله نظامی نیست. شکست و دشواری آمریکا در عراق و افغانستان، پرستیژ آمریکا را بطرز شدید مورد ضربه قرار داده و به همین خاطر مداخله نظامی در سوریه در دستور قرار نگرفت. اگر چه امنیت اسرائیل برای آمریکا یک مسئله حساس بشمار میآید، ولی حمله نظامی به مراکز اتمی ایران هرگز با توافق اکثریت سیاستمداران آمریکا روبرو نگشته است. دولت اوباما موافق هرگونه فشار علیه ایران است، ولی علیرغم شبکه لابی های اسرائیل در آمریکا و اصرار اسرائیل برای بمباران مراکز اتمی و علیرغم موافقتهای پنهانی عربستان سعودی، حمله نظامی را قبول ندارد. با توجه به این شرایط پیچیده، با پیشقدمی، آمریکائیها با سرعت با استقبال مذاکرات رفتند تا با هزینه کمتر، دست و پای جمهوری اسلامی را ببندند.

فرانسه با انگیزه های گوناگون در میدان دیپلماسی در قبال ایران حاضر است و این امر سیاست فرانسه را متمایز میسازد و اختلاف نظر لوران فابیوس را معنای بخشد. برای درک استراتژی فرانسه به چهار عامل زیر باید توجه نمود:

یکم، در تمام دوران مجازاتهای اقتصادی علیه ایران، فرانسه بازنده بوده است. بعنوان نمونه طی سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ میزان صادرات فرانسه به ایران از ۲ میلیارد یورو به ۸۰۰ میلیون یورو کاهش پیدا

کرد. در ۸ ماه نخست سال ۲۰۱۳ میلادی فرانسه ۳۳۰ میلیون یورو کالا به ایران صادر کرده و تنها ۲۰ میلیون یورو کالا از ایران وارد نموده است. شرکتهای فرانسوی مانند پژو، رنو، توتال، دانون، اشنیدر و غیره تولید و بازار فروش خود را از دست دادند. چه عواملی به فرانسه اجازه میدهد تا در مناسبات نوین خود با ایران، به بازار لازم برسد؟ آیا امتیازات آمریکا از امتیازات فرانسویها بیشتر خواهد بود؟ فرانسه با بیان آشکار مخالفت خود خواهان سهم جدی در عرصه اقتصاد و بازرگانی با ایران میباشد.

دوم، در اروپا، فرانسه مدعی رهبری سیاسی مهم در صحنه بین المللی است. با روند ضعف آمریکا در جهان، فرانسه بر نقش سیاسی خود تاکید میکند. مداخله نظامی فرانسه در لیبی، مداخله نظامی فرانسه در کشور مالی، توسعه مناسبات نظامی و سیاسی با کشورهای عربی پیرامون خلیج فارس مانند عربستان، قطر و امارات متحده عربی و ایجاد یک پایگاه نظامی در سوریه، از جمله نشانه ها برای اعمال سیاست یک قدرت بزرگ است. در باره پرونده اتمی با ایران، فرانسه نمیخواهد حذف باشد و یا درسایه قرارداشته باشد. فرانسه با اعلام مواضع ویژه خود قصد دارد تا خود را نشان بدهد و بدیگران بفهماند که هر قراردادی با ایران منافع و حضور فرانسه را باید تامین نماید.

سوم، همسوئی با سیاست اسرائیل جنبه دیگری از سیاست فرانسه است. اسرائیل پیوسته خواهان حمله نظامی بوده و این خواست، در رابطه با مسئله امنیت اسرائیل و نیز در بستر جدال احزاب سیاسی این کشور معنا دارد. اسرائیل خواهان کاهش تعداد سانتریفوژها به ۲۰۰۰ واحد و انتقال کامل ذخیره اورانیوم ۲۰٪ به خارج ایران است. البته مواضع فرانسه کاملن با این سیاست انطباق ندارد، ولی در دوران آقای سارکوزی و در دوره آقای هولاند در مورد پرونده اتمی ایران، فرانسه همسوئی خود با اسرائیل را حفظ کرده و وزیر خارجه لوران فابیوس در گفته اخیر مطرح ساخت که توافق با ایران نمی تواند مسئله امنیت اسرائیل را در نظر نگیرد.

سوم، وزیر خارجه فرانسه در گفتار اخیر خود مطرح ساخت شوق زده نشوید زیرا پنهانکاری جمهوری اسلامی پیوسته یک واقعیت بوده است. هشدارباش فرانسه متوجه آمریکاست و این امر متکی به تجربه های گوناگون غرب است. سیاست ایران فاقد شفافیت بوده و پنهانکاریهای حکومت اسلامی همیشه اجازه داده تا رژیم فعالیت اتمی اش را به پیش برود. با توجه به خصوصیات نیرنگ و دروغ دیپلماسی ایران، فرانسه

خواهان تضمین های جدی است. موضع فرانسه هنگام مذاکرات ژنو مورد انتقاد برخی دیپلماتهای غربی و فرانسوی قرار گرفت و در ایران نیز فرانسه بعنوان مسبب دشواریها معرفی شد.

بنابراین با توجه به عوامل بالا مخالفت فرانسه قابل درک است. همزمان با مذاکرات ژنو عده زیادی از بازیگران اقتصاد فرانسه در تهران بودند. فرانسویها تمایل دارند تادر زمینه کشاورزی، گردشگری، تکنولوژیکی، ساختمان سازی، حمل و نقل وغیره با ایران قرارداد ببندند. در دوره پیش دربرخی رشته ها شرکتهای آسیائی جای فرانسویها را گرفتند وامروز اگر در مذاکرات، حمایت فرانسه از اسرائیل متعادل نباشد، احتمال باخت بیشترفرانسویها وجود دارد.

دور اول مذاکرات با توجه به اختلافات غربی ها پایان یافت. آقای روحانی در نطق ۱۹/۸/۱۳۹۲ خود در مجلس گفت که ایران در هیچ مذاکره ای با جامعه بین المللی از حقوق هسته ای خود دست بر نمی دارد؛ او غنی سازی اورانیوم در خاک ایران را از جمله این حقوق بیان کرد وتاکید نمود توافق با ایران به نفع منطقه و جهان است. جان کری وزیر خارجه آمریکا در جواب به نخست وزیر اسرائیل که اعلام کرد متن پیشنهادی کشورهای غربی « معامله با احمق ها» میباشد، گفت امریکا در مذاکرات «نه چشم بسته عمل می کند و نه احمق است». بدین ترتیب در نگاه جان کری برای آمریکا معامله با ایران «خوب» است و ایران هم پیام میدهد که توافق با او به آرامش بیشتر منطقه منجر میگردد. بدین ترتیب آمریکا و ایران برآنند که استراتژی «برد - برد» در دستور کاراست، بدون آنکه از منافع حیاتی متقابل خود دست بردارند. ایران در پیشبرد سیاست یکجانبه و اتمی برای یک دوره، کوتاه میاید؛ آمریکا این امر را یک امتیاز «خوب» ارزیابی میکند و می فهماند که از اهداف اتمی دراز مدت ایران غافل نیست. دربازی شطرنج همه به بازی یکدیگر آگاهند، کسی به دیگری اعتمادی ندارد، ولی بازی را باید ادامه داد و بنابراین پایان دور اول بازی، پایان تشنج ها و نیرنگ ها نخواهد بود.

جلال ایجادی

استاد دانشگاه در فرانسه

۱۱/۱۱/۱۳۹۲ پاریس